

## آیت ا □ بروجردی، پیشتاز در تقریب بین مذاهب و وحدت اهل سنت و شیعه

آیت ا □ بروجردی، پیشتاز در تقریب بین مذاهب و وحدت اهل سنت و شیعه

آیت ا □ العظمی بروجردی که پس از رحلت آیت ا □ سید ابوالحسن اصفهانی به مرجعیت تام رسید از فقهای نامداری بود که علاوه بر «فقه» در علوم دیگر از جمله علم الحدیث و رجال، شخصیتی برجسته و بی نظیر بشمار می رفت و در این میدان، تسلط کاملی بر حدیث و فقه اهل سنت هم داشت.

ایشان این رشته را در «مکتب اصفهان» و سپس «مکتب نجف» در محضر اساتید برجسته آن دوران فرا گرفته بود و بدلیل همین احاطه بر علوم و فقه مذاهب، در مسائل خلاقی فقهی، به «فقه مقارن» ارزش ویژه ای قائل بود و در عمل، در حوزه تدریس خود در هر مسئله مهم خلاقی، اهتمام خاصی به بررسی ادله مذاهب دیگر داشت و شاید در همین رابطه به تصحیح و تجدید چاپ کتاب «الخلاقی» مرحوم شیخ طوسی اقدام نمود و حتی در بعضی از اوقات، این کتاب را همراه خود به حلقه درس فقه خود می آورد و با استناد به آن کتاب و نظرات شیخ طوسی، فضایی حوزه درسی خود را با این مکتب آشنا می ساخت و در واقع بدینوسیله موجب می شد که فضایی حوزه، مجتهدان آینده دنیای تشیع، با کتاب ها و آراء فقهی مذاهب اربعه اهل سنت آشنا تر شوند، چون چنین عقیده داشتند که فقه یک علم مشترک بین مذاهب اسلامی است که با هم اشتراکات و پیوندهای زیادی دارند و باید از جنبه های مثبت آن بویژه در «مسائل مستحدثه» مانند مسئله بانکداری، بیمه، تجدید نسل، پیوند اعضاء، اهداء اعضاء و... در استنباط احکام آنها، استفاده لازم بعمل آید.

البته باید اشاره نمود که اصولاً با توجه به تلمذ بعضی از ائمه اربعه اهل سنت در محضر ائمه هدی علیهم السلام و شرکت و حضور علماء و طلاب شیعه و سنی، در محافل درسی یکدیگر این سنت حسنه رجوع به فتاوی فقهای طرفین از دوران های قدیم - به ویژه از عصر علمی امام باقر(ع) و امام صادق(ع) تا عصر شهید ثانی و پس از آن - 910 ق، و به بعد - ادامه داشته ولی متأسفانه به علت دخالت بعضی از حاکمیت های سنی یا شیعه، در یکی دو قرن اخیر به کنار گذاشته شده بود که با ابتکار آیت ا □ بروجردی و روش

عملی تدریسی وی در حوزه قم - و سپس در دیگر حوزه ها - مرسوم گردید.

آیت  $\square$  بروجردی به این نکته اشاره می نمودند که قدمای فقهاء شیعه مانند شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و... همواره به این روش عمل می کردند و سپس استفاده از این روش را به سود جهان اسلام و وحدت مسلمین و نزدیکی علماء شیعه و سنی - با شناختی که از آراء و فتاوی همدیگر پیدا می کنند - می دانستند.

آقای بروجردی برای تکمیل این روش و گسترش همه جانبه آن بین علماء فریقین، بر این باور بودند که باید کتب فقهی شیعه بین علماء اهل سنت توزیع شود تا آنها هم از دامنه وسیع فقه شیعی آگاه شوند و در واقع گامی مثبت در راه ایجاد وحدت و تقریب، برداشته شود و برای همین منظور کتاب «المبسوط» شیخ طوسی را توسط علامه محمدتقی قمی به شیخ عبدالمجید سلیم - از شیوخ الازهر - فرستادند که موجب اعجاب نامبرده گردید و در مراحل، دارالافتا مصر - وابسته به الازهر - از مبانی فقهی شیعه در صدور فتوی استفاده کردند.

چاپ کتاب «المختصر النافع» محقق حلّی و خلاصه «شرائع الاسلام» و بعد تفسیر «مجمع البیان» در قاهره با همکاری شیخ احمد حسن الباقوری، وزیر اوقاف مصر که قبلاً از اعضاء مکتب الارشاد اخوان المسلمین بود، گامی دیگر در همین رابطه بود که بی تردید در تغییر روش علماء الازهر و خوش بینی آنان نسبت به شیعه، نقش مؤثری داشته است.

آیت  $\square$  شیخ محمد واعظ زاده خراسانی از شاگردان برجسته آیت  $\square$  بروجردی و دبیر سابق مجمع التقریب، در کتاب: «زندگی آیت  $\square$  بروجردی» آورده است که در تألیف کتاب: «جامع الاحادیث الفقهیه» که زیر نظر مستقیم آیت  $\square$  بروجردی تنظیم می شد و چندین بار تاکنون چاپ شده است، آیت  $\square$  بروجردی دستور داده بود که در ذیل هر باب فقهی و نقل هر حدیث از ائمه هدی، روایات اهل سنت نیز نقل شود تا ضمن آشنائی طلاب ما، برادران سنی هم آگاه شوند که چه تعداد حدیث از طریق ائمه ما و آنها نقل شده است و این گامی عملی برای تقریب مذاهب اسلامی است.

مرحوم آیت  $\square$  بروجردی، برای جلوگیری از گسترش دامنه اختلافات اجازه نمی داد که به مقدسات و ائمه اهل سنت اهانتی روا بشود و حتی آن را حرام می دانست و در موردی، آیت  $\square$  واعظ زاده خراسانی نقل می کند: «روزی در جلسه تنظیم کتاب حدیث، آیت  $\square$  بروجردی حضور یافت و با تأسف بیان کرد: کسی آمده کتابی نوشته و به خلفاء اهانت کرده و نام مرا هم در آغاز کتاب خود آورده است، وقتی از این امر

مطلع شدم دستور دادم که تمام نسخ کتاب را جمع آوری کنند و تا آن سطور حذف نشود، اجازه نشر نیابد. ما در چه زمانی زندگی می‌کنیم؟ این حرف‌ها جز ضرر و ایجاد عداوت چه فایده‌ای دارد؟

اصولاً آیت‌الله بروجردی، برخلاف بعضی از معاصرین که مسئله «خلافت» و «امامت» را به نحو خاصی مطرح می‌کنند که موجب تشدید اختلافات می‌گردد، معتقد بودند که این مسئله یک امر تاریخی است و روش حضرت علی علیه السلام در مقابل خلفا، نشان می‌دهد که برای مصلحت اسلام، نباید به این مسئله دامن زد، بلکه باید به فکر مسائل دیگری بود که موجب وحدت مسلمین در مقابل دشمنان گوناگون گردد و حتی خطاب به بعضی از علماء حوزه فرموده بود: «مسئله خلافت امروز مورد نیاز مسلمانان نیست که ما با هم دعوا کنیم. هرچه بوده اکنون یک مسئله تاریخی است آنچه که امروز به حال مسلمانان سودمند است این است که بدانیم احکام را از چه مأخذی باید اخذ کنیم.»

شهید مرتضی مطهری درباره علاقه آیت‌الله بروجردی به وحدت و تقرب می‌گوید:

«یکی از مزایای معظم له توجه به علاقه فراوانی بود که به مسئله وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقرب مذاهب اسلامی داشت، این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود، می‌دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است و هم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاست‌های استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را می‌کنند و بلکه آن را دامن می‌زنند و هم توجه داشت که به عدد دوری شیعه از سایر فرق سبب شده است که آن‌ها شیعه را شناسند و درباره آنها تصوراتی دور از حقیقت بنمایند.»

به این جهات بسیار علاقه مند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود که از طرفی وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است، تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه آن طور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند معرفی شود، از حسن تصادف چند سال قبل از زعامت و ریاست معظم له که هنوز ایشان در بروجرد بودند «دارالتقرب بین المذاهب اسلامی» به همت جمعی از روشنفکران سنی و شیعه تأسیس شده و معظم له در دوره زعامت خود تا حد ممکن با این فکر و با این مؤسسه کمک و همکاری کرد. برای اولین بار بعد از چند صد سال، بین زعیم روحانی شیعه و زعیم روحانی سنی شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او شیخ محمود شلتوت مفتی حاضر و رئیس جامع الازهر، روابط دوستانه برقرار شد و نامه مبادله گردید. معظم له عشق و دلباخته این موضوع بود و مرغ دلش برای این موضوع پر می‌زد، عجیب این است که از دو منبع موثق شنیدم که در حادثه قلبی اخیر که منجر به فوت ایشان شد، بعد از حمله قلبی اول که عارض شد مدتی بی‌هوش بوده اند بعد که به هوش آمدند،

قبل از آنکه توجهی به حال خود بکنند و در این موضوع حرفی بزنند، موضوع تقریب مذاهب و وحدت مسلمانان را مطرح می کنند و می گویند من آرزوها در این زمینه داشتم.»

در همین زمینه مرحوم حجت الاسلام والمسلمین علی دوانی می گویند: آیت ا□ بروجردی از تأسیس و توسعه دارالتقریب حمایت کرد، ایشان در درس خارج فقه خود در بعضی مواقع فتاوی علمای عامه را بیان می کرد و می فرمود مسیر تاریخ فقه اسلامی با مطالعه در فتاوی علمای عامه روشن تر می شود، به همین منظور حاج شیخ محمدتقی قمی را به عنوان نماینده خود در مصر انتخاب نمودند و خود به عنوان یک عالم شیعی در مرکز علمای اهل سنت - مصر - با رؤسای الازهر ارتباط داشتند و نامه ها مبادله می کردند.

امام خمینی ادامه دهنده سیره وحدتش بخش آیت ا□ بروجردی

علاقه امام به آیت ا□ بروجردی

امام خمینی برای آوردن بروجردی به قم خیلی تلاش کرد و به قصد ترویج و تثبیت موقعیت او، و احترام به مقام مرجعیت، با شاگردانش در درس خارج اصول آیت ا□ بروجردی شرکت می کرد. خود حضرت امام در این باره می فرماید:

«پس از وفات مرحوم آقای حائری با عده ای از رفقا بحث داشتیم تا آنکه مرحوم آقای بروجردی - رحمه اللّٰه - به قم آمدند. برای ترویج ایشان به درس ایشان رفتم و استفاده هم نمودم و از مدتها قبل از آمدن آقای بروجردی عمده اشتغال به تدریس «معقول» و «عرفان» و سطوح عالیه اصول و فقه بود. پس از آمدن ایشان به تقاضای آقایان مثل مرحوم آقای مطهری به تدریس خارج فقه مشغول شدم و از علوم عقلیه بازماندم و این اشتغال در طول اقامت قم و مدت اقامت نجف مستدام بود.»

این حضور در درس آقای بروجردی، در حالی است که امام خود یکی از فضلا و استادان برجسته حوزه علمیه به شمار می رفت ولی به منظور تثبیت مرجعیت آیت ا□ بروجردی در درسهای ایشان شرکت می کرد؛ یک حالت افتخاری؛ حتی درس خارج اصول ایشان را تقریر هم می نمود؛ آقای بروجردی نیز که به مراتب علم و فضل و تقوا و درایت سیاسی امام آگاهی داشت، ایشان را جزو مشاوران صدیق و نزدیک خود قرار داده و در اداره و سروسامان بخشیدن حوزه، مأموریت های مهمی به ایشان محول می نمود. و در مسائل مهم سیاسی هم با امام مشورت و از او نظر خواهی می کرد.

حضرت امام از طرف آقای بروجردی یکی از اعضای مهم و فعال «هیئت مصلحین» بود. این هیئت به گروهی از فضلا و استادان حوزه اطلاق می شد که از طرف آیت ا [ بروجردی مأمور اصلاح حوزه بودند. همچنین جهت پاره ای مذاکرات و تذکرات، آقای بروجردی حضرت امام را یکی دو بار برای ملاقات با محمدرضا شاه فرستاد.

آیت ا [ بروجردی، تحولی در روش اجتهاد به وجود آورد و مراجعه به اقوال قدما در اصول اولیه، علاوه بر نصوص را در این حوزه باب کرد. شاید به همین علت است که امام خمینی، طی کردن دقیق مقدمات و سطح و پس از آن مدتی شرکت کردن در درس آقای بروجردی را باعث اجتهاد می دانست.

کتاب «لمحات الاصول» حضرت امام، تقریر درس خارج اصول آیت ا [ بروجردی است. با وجود این که حضرت امام در بسیاری از آراء اصولی، با استاد خود مخالف بودند و خود نظریات اصولی مستقلی داشتند؛ اما: بدون اضافه کردن هرگونه حاشیه تحقیقی از خود، و یا ابراز مخالفت با نظریات استاد، درس ایشان را تقریر نموده اند.

امام در سال 1328ش، طی نامه ای به شیخ محمدتقی فلسفی، بر تقویت مرجعیت آقای بروجردی تأکید [ورزیده و آن را یک امر مهم و حیاتی و در راستای رضای حق معرفی کرده است. نامه سرگشاده امام به آقای بروجردی بابت شایعه موافقت ایشان، با تشکیل مجلس مؤسسان و تکذیب آیت ا [ بروجردی حکایت دیگری از روابط بی تعارف امام و آقای بروجردی است.

حضرت امام، تقوای آیت ا [ بروجردی را بارها و بسیار ستوده و احترام و ارادت خود را پس فوت ایشان نیز از یاد نبرده، و چه پیش و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نسبت به خانواده آقای بروجردی را نشان داده اند؛ به گونه ای که در سال 1354ش، طی نامه به فرزندش حاج احمد آقا، به آقای پسندیده توصیه می کند، به عیال آیت ا [ بروجردی رسیدگی و مساعدت داشته باشد. یا پس از انقلاب نیز که خانم آیت بروجردی زنده بودند، بارها در جماران میهمان خانم حضرت امام بود.

حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی نوه حضرت امام، برای حجت الاسلام احمدی بروجردی نوه پسری مرحوم حضرت آیت ا [ العظمی بروجردی نقلی از مرحوم پدرشان حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی نموده اند:

مرحوم یادگار امام نقل می کردند که وقتی خبر ارتحال مرحوم آیت ا [ العظمی بروجردی را برای امام آوردند، ایشان در اطاق انتهایی منزل (واقع در یخچال قاضی قم) بودند، در حالیکه ما در اطاق های

جلویی منزل بودیم و درب های اطاق ها هم بسته بود، اما صدای گریه امام به اندازه ای بلند بود که ما از این حیاط منزل آن را می شنیدیم.

علاقه زاید الوصف امام به آیت ا [ بروجردی، بسیار کم نظیر و شاید منحصر به فرد بود. در این باره آیت ا [ مسعودی خمینی می گوید: امام خمینی می فرمودند: به جدم قسم، هنوز سراغ ندارم کسی مثل من آقای بروجردی را دوست داشته باشد.

شهید آیت ا [ مطهری نیز مینویسد:

«امام خمینی می فرمود: من در حال مطالعه آقای بروجردی هستم و جز حقیقت چیز دیگری در این آقا نمی بینم.»

آیت ا [ سلطانی طباطبائی که از یاران و نزدیکان آیت ا [ العظمی بروجردی و نیز از همراهان صمیمی امام خمینی به شمار می رفت درباره علاقه حضرت امام به آیت ا [ بروجردی می گوید:

«قبل از ورود و اقامت آیت ا [ العظمی بروجردی در قم، امام آرزوی مهاجرت ایشان به قم را داشتند. امام خمینی روزی به من فرمودند: حیف قم که آیت ا [ بروجردی در آن نیستند، کاش وضعی پیش می آمد که ایشان به قم می آمدند.»

آیت ا [ سید مرتضی مبرفعی نیز گفته اند:

«امام خمینی آیت ا [ آقا حسین بروجردی را مردی روشن می دانست.»

حضرت امام ادامه دهنده سیره تقریب و وحدت شیعه و اهل سنت

امام خمینی نیز نظراً و عملاً ادامه دهنده راه وحدت بخش و روش تقریب بین مذاهب آیت ا [ بروجردی بود. در این زمینه به نظرات و اقدامات زیادی، چه پیش از انقلاب و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی می توان اشاره کرد. در اینجا به چند مورد از نظرات و تأکیدات حضرت امام اشاره می شود.

حضرت امام می فرماید: «ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم.

اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست، ما همه با هم برادریم.» (صحیفه امام، ج 6، ص 133)

درباره رعایت حق و حقوق اهل سنت پس از پیروزی انقلاب اسلامی تذکر می‌دهند که:

«برادرهای سنی ما مثل ما هستند، با ما هیچ فرقی ندارند در حقوق؛ حقوق همه آنها داده خواهد شد. شرکت کنند آنها هم در آنچه سرنوشت آنها را تعیین می‌کند. به حرف اشخاصی که بین آنها می‌خواهند تفرقه بیندازند، می‌خواهند به اسم سنی و شیعه بین ما برادرها را جدایی بیندازند و منافع ما را به جیب دیگران بکنند، به حرف اینها اعتنا نکنید.» (صحیفه امام، ج 6، ص 434)

درباره پیش‌گیری از توطئه دشمنان و ندانم‌کاری‌های مقدس‌مآب‌ها و متحجرین از شیعه، خطاب به روحانیت و ائمه جمعه و جماعت سراسر کشور می‌فرمایند: «باید همه ما توجه داشته باشیم که مبادا یک وقت تبلیغی بشود که در طول تاریخ تقریباً شده است که ما را، برادرها را از هم جدا کردند. اهل سنت را با ما جدا کردند. ما را از آنها جدا کردند. باید اینها را توجه بکنیم. باید ما با هم برادر باشیم. نگذاریم دیگران بیایند همه چیزمان را ببرند و ما بنشینیم سرش دعوا بکنیم سر یک چیزی که نباید دعوا بکنیم... خطبا هم در خطبه‌های خودشان مردم را بیدار کنند. مردم را دعوت کنند به صلاح، دعوت کنند به اینکه این توطئه‌هایی که در اطراف هست الآن این توطئه‌ها برای محو اسلام است.» (صحیفه امام، ج 13، ص 439)

و در ادامه جهت مقابله با حرکت‌های تفرقه‌افکنانه و در راستای وحدت عملی بین مسلمین خطاب به شیعیان اعلام می‌کنند:

«لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه، که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جداً اجتناب کنند.» (صحیفه امام، ج 10، ص 62)

منبع: سایت دایره المعارف بزرگ اسلامی

